

---

## فلسفه و جامعه و سیاست

---

گزیده و نوشته و ترجمه

عزت‌الله فولادوند

آثاری به قلم و درباره

ماریو بارگاس یوسا + لودویک فون میزس

ژان-فرانسوا زول + یورگن هابرماس

زیگمونت باومن + فریدریش نیچه

مایکل والتسر + رابرت نازیک

برنارد لوئیس + سیدنی هوک

ژاک دریدا + آیزایا برلین

هانا آرنت + توماس مان

مارک لیلا + کارل پوپر

و دیگران



نشرنامه

تهران

۱۳۸۷

سرشناسه:	فولادوند، عزت‌الله، ۱۳۱۴.
عنوان و پدیدآور:	فلسفه و جامعه و سیاست؛ گروه نویسندگان؛ [گردآوری] و ترجمه عزت‌الله فولادوند.
مشخصات نشر:	تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری:	۴۶۱ ص.
شابک:	ISBN 978-964-9971-77-3
یادداشت:	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).
موضوع:	علوم سیاسی - فلسفه - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
موضوع:	جامعه‌شناسی سیاسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
موضوع:	فلسفه - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۶ الف ۸ / ف ۹ / ج ۷۱
رده‌بندی دیویی:	۳۲۰ / ۵۱
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:	۱۱۶۸۳۳۰

## فلسفه و جامعه و سیاست

گزیده و نوشته و ترجمه  
عزت‌الله فولادوند

پاییز ۱۳۸۷  
۴۰۰۰ نسخه

چاپ اول  
تیراژ

مهدی توری  
حسین سجادی  
سارا سرایی  
گرافیک‌گستر  
هنرپور

نسخه پرداز  
مدیر هنری  
حروف‌چینی  
لیتوگرافی  
چاپ، جلد

وزارت ارشاد اسلامی  
سازمان چاپ و انتشارات

چاپ متن و صحافی

شابک ۹۷۸-۹۶۲-۹۹۷۱-۷۷-۳  
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



## فهرست

۷

پیشگفتار

### I آزادی و ارزشها

- ۱۳ آیزایا برلین راه فکری من  
۳۹ آرثر اشلزینگر آیزایا برلین: مردی بزرگ در روزگاری دهشتناک  
۴۳ چاندران کوکاتاس یگانگی سرشت بشر و چندگانگی ارزشها  
۵۵ پیتر جونز آزادی بیان  
۶۳ لودویک فون میزس در جست‌وجوی ارزشهای مطلق  
۸۹ برنارد ویلیامز آیا مدارا فضیلتی محال است؟  
۱۰۱ ریچارد فاک حق  
۱۰۹ ریچارد گات بازآفرینی نیچه

### II اسلام و غرب

- ۱۱۹ برنارد لونسون نظری تاریخی به اسلام و دموکراسی لیبرال  
۱۳۵ برنارد لونسون ادیان و برخورد تمدن‌ها  
۱۴۷ کیث ویندشاتل چرا غرب در جنگها پیروز می‌شود؟  
۱۵۵ اکسل پل هابرماس، دریدا و فلسفه در روزگار تروریسم

### III روشنفکران و سیاست

- ۱۶۳ کارل پوپر برخورد فرهنگها  
۱۷۳ ماریو بارگاس یوسا اهمیت کارل پوپر  
۱۹۳ توماس مان نامهای تاریخی  
۲۰۱ ب. پارخ هانا آرنه  
۲۰۹ مارک لیلا ژاک دریدا در وادی سیاست

۲۳۵	میشل فوکو	سیاست و اخلاق
۲۴۵	رابرت نازیک	چرا روشنفکران با سرمایه‌داری مخالف‌اند؟
۲۵۷	ادمند ویلسن	مرگ و رستاخیز آرمانهای انقلاب
۲۶۹	کریگ موران	اندیشه کمونیسم در «قرن کوتاه بیستم»
۲۸۵	مایکل والتسر	عذر تراشی برای تروریسم
۲۹۱	عزت‌الله فولادوند	رؤی: اندیشه‌ور مستهزیه
۲۹۷	ژان-فرانسوا ژول	آینده پرخطر دموکراسی
۳۰۵	ژان-فرانسوا ژول	درآمدی بر آمریکامتنی اروپاییان
۳۱۹	آیزایا برلین	قرن عظمت ادبیات روس

#### IV سیاست و جامعه

۳۳۵	والدیمار گوریان	توتالیتاریسم
۳۳۹	سیدنی هوک	مارکسیسم
۳۷۹	م. دسای	سرمایه‌داری
۳۸۵	راس هریسن	دموکراسی و عقلانیت
۳۹۱	اریک آلین رایت	طبقه و سیاست
۴۱۳	زیگمونت باومن	مدرنیته
۴۲۷	دیوید لیک	واقع‌بینی
۴۳۵	ید رابرت گیر	خشونت سیاسی
۴۳۹	عزت‌الله فولادوند	احزاب سیاسی

#### V مرگ جامعه

۴۴۷	کارلو گوسته	سقوط برلین: ۱۹۴۵
-----	-------------	------------------

## پیشگفتار

در این مجلد شماری از زبده نوشته‌ها و پژوهش‌های عده‌ای از فیلسوفان و متفکران سیاسی و اجتماعی سرشناس و پرنفوذ معاصر گرد آمده است. موضوع سخن آنان - به شیوه‌های گوناگون و از جنبه‌های مختلف - روابط متقابل سه رکن بزرگ حیات جمعی انسان، فلسفه و جامعه و سیاست، است.

سیاست بنیاد تشکیل جامعه، و فلسفه شالوده‌اندیشه سیاسی در ساختن و شکل دادن به زندگی اجتماعی است. گذشته از گروه‌های کوچکی که به انگیزه مهر خانوادگی یا عواطف دوستانه یا به قصد رسیدن به هدفی کاملاً مشخص مانند تحقیق علمی یا کسب‌وکار گرد می‌آیند، تشکیل جوامع بزرگ قومی یا ملی همواره بر پایه دید کلی کمابیش مشترکی میان افراد هر جامعه صورت می‌گیرد که می‌توان از آن به نظرگاه سیاسی یا ایده‌نولوژی آنان (به معنای عام) تعبیر کرد. حتی در مواقعی در تاریخ که افکار سیاسی فرد یا گروهی مقتدر و زورمند اساس حکومت قرار گرفته و مسیر جامعه را تعیین کرده است، باز حاکمان کوشیده‌اند راه و روش حکومتی خود را متأثر از ایده‌نولوژی عمومی جامعه بنمایانند و به جامعه مردمی بیارایند.

ایده‌نولوژی یا اندیشه‌ای که نزد حاکمان (در حکومت‌های خودکامه) یا مردم (در دموکراسیها) برای کشورداری و تمشیت امور جامعه صورت می‌بندد، همیشه مبتنی بر نظری کلی درباره جهان و جایگاه آدمی است، خواه این نظر پایه‌های تحقیقی و تجربی داشته باشد و خواه (چنانکه در گوشه و کنار جهان شاهد بوده‌ایم

و هستیم) از اسطوره‌هایی سرچشمه بگیرد که از صافی تخیل نسل‌های بی‌شمار گذشته‌اند. اما در هر دو حال، نظری که اتخاذ می‌شود برای اینکه در عرصه جامعه و سیاست قابل دفاع باشد و پایدار بماند، باید چهره استدلالی پیدا کند و متکی به دلایل تجربی یا تاریخی یا علمی یا دینی معرفی شود. فلسفه سیاسی از اینجا وارد میدان می‌شود.

کسی ممکن است بگوید که آدمیان را نمی‌توان آزاد گذاشت و باید راه و روش درست را (هرچند به زور و جبر) به ایشان آموخت، و حکمران به منزله شبانی است که پیوسته باید مراقب گله عوام باشد. دیگری ممکن است ادعا کند که آدمی به نحوی سرشته شده که خود بهترین داور مصلحت خویش و تشخیص درست از نادرست است. در تاریخ اندیشه سیاسی و اجتماعی، جمعی از مهمترین فیلسوفان نظریه نخست را طرح و تبلیغ کرده‌اند، و عده‌ای از برجسته‌ترین متفکران مدافع نظریه دوم بوده‌اند. گروه اول (از جمله بزرگترین آنان، افلاطون) یادآور مفاسد و معایب دموکراسی شده‌اند، و معتقد بوده‌اند که خردمندان و آگاهان به اسرار (یا همان حاکمان حکیم افلاطونی) باید بر کم‌خردان (یعنی عوام) فرمان برانند و ایشان را به سوی مدینه فاضله رهنمون شوند. به اعتقاد این گروه، بالاترین تکلیف آدمی ساختن بهشت برابری و برادری در این جهان با هموار ساختن راه فردوس برین در آخرت است. گروه دوم گفته‌اند که اولاً هیچ‌کس یا هیچ جرگه‌ای جامع همه اطلاعات لازم برای گردانیدن جامعه و خطاناپذیر نیست. به قول معروف، همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز پای به عرصه هستی ننهاده‌اند. حتی بهترین افراد آدمی لغزش پذیرند، و بشر همواره از راه آزمون و خطا یاد گرفته و پیشرفت کرده است. ثانیاً سرگذشت انسان ثابت می‌کند که هیچ‌کس یا هیچ قوه‌ای نباید بدون نظارت و بی‌نیاز از پاسخگویی باشد، وگرنه به استبداد و فساد خواهد گرایید. بنابراین، زمام حکمرانی در نهایت باید به دست خود مردم باشد که از نیکی یا بدی حکومت بیشترین سود یا زیان را می‌بینند و جمعاً بهترین داور مصلحت خویش‌اند. ثالثاً بدون استثنا در عمل دیده شده است که (به گفته کارل پوپر) کسانی که مدعی ایجاد بهشت یا مدینه فاضله در این جهان بوده‌اند، سرانجام دنیا را به جهنم تبدیل کرده‌اند.

بدیهی است که میان این دو قطب بسیاری مواضع دیگر نیز بوده‌اند و هستند. ولی به استثنای مواقعی که کشورگشایی یا قهر و زور یا هرج و مرج مطلق استیلا داشته است، آنچه دربارهٔ توجیحات فلسفی این دو قطب گفتیم، همواره صادق بوده است. البته آموزه‌های فلسفی، اعم از دینی و غیر آن، لازم نیست حتماً در روسترین سطح آگاهی سخته و سنجیده شده باشند و فائلان ضرورتاً به سرچشمه‌ها و پیامدهای آنها بوضوح آگاه باشند. شگفت اینکه گاهی حتی پیش می‌آید که جهل به اساس و نتایج آموزه‌های فلسفی بیشتر مایهٔ استحکام اعتقاد و تعهد خلق می‌شود. ولی بی‌یقین اختلاف نتایج درنهایت برمی‌گردد به اختلاف دیدگاههای فلسفی و، چنانکه می‌دانیم، کسی که به مقدمات هر استدلال ملتزم شود، لاجرم باید نتیجه را بپذیرد.

باید دانست که هر فکر سیاسی لزوماً به معنای فلسفهٔ سیاسی نیست. فکر سیاسی هم‌ارز حیات سیاسی است، و هر جامعهٔ دارای تشکیلات منظم کمابیش بر آن استوار بوده است. فلسفهٔ سیاسی، تا جایی که مدارک مکتوب در دست داریم، از یونان قدیم و از حکمای کلاسیک آتن، سقراط و افلاطون و ارسطو، از سدهٔ پنجم پیش از میلاد مسیح آغاز می‌شود. ولی حتی فلسفهٔ کلاسیک سیاسی نیز محدود به تعالیم افلاطون و ارسطو و مکتبهای آنان نیست و آموزه‌های سیاسی رواقیان و آباء کلیسا و حکمای مدرسی غرب و برخی از متفکران اسلامی در سده‌های میانه رانیز (تا جایی که منحصراً متکی بر وحی الاهی نباشند) در بر می‌گیرد. فلسفهٔ کلاسیک سیاسی تا سده‌های شانزدهم و هفدهم در جایگاه مسلط بود. فلسفهٔ مدرن سیاسی از آن هنگام با گسست از اصولی که سقراط بنا نهاده بود، به وجود آمد.

فلسفهٔ مدرن سیاسی، به تفکیک از علوم سیاسی، آزادی و حقوق فرد را در مقابل قدرت دولت قرار می‌دهد. علوم سیاسی ماهیت توصیفی دارد و با تکیه بر داده‌های تجربی به توصیف سازمانهای سیاسی و اداری می‌پردازد. اما فلسفهٔ سیاسی بیشتر تجویزی یا هنجاری است و حدود آن را از سویی مرزهای شناخت آدمی تعیین می‌کند و، از سوی دیگر، طلب دگرگونی در اوضاع و احوال اجتماعی و آرمانهای انسانی. علوم سیاسی با آنچه هست یا واقعیتها سر و کار دارد، و فلسفهٔ سیاسی با آنچه باید باشد، هرچند البته هر فلسفهٔ سیاسی واقعگرایانه نیز نقطهٔ



عزیمت یا مبدأ را و اقیامیات قرار می‌دهد و از آنجا شروع به نقادی و طرح نظریه می‌کند. فیلسوف سیاسی می‌خواهد با رجوع به جهان‌بینی خویش و فلسفه‌ای که عموماً در زندگی دارد، معین کند که کل فرایند اجتماعی و اقتصادی و سیاسی باید به‌سوی چه هدفی پیش برود. فیلسوف سیاسی، برخلاف دانشمند علوم سیاسی، از ارزش‌داوری نمی‌پرهیزد و بر آن است که ملاک‌های داوری و هدف استفاده از قدرت سیاسی را نشان دهد. وجه مشترک همه فیلسوفان بزرگ سیاسی - از افلاطون و ارسطو تا لاک و روسو تا مارکس و پوپر و رالز - همواره پاسخ‌گفتن به مسائلی بوده است مانند دلیل اطاعت شهروند از دولت، حقوق فرد در برابر حکومت، اساس مشروعیت قدرت حاکم، روابط سه قوه، ماهیت آزادی سیاسی، همسازی یا ناهمسازی برابری و آزادی، و عدالت اجتماعی.

نویسندگانی که آثارشان در این کتاب آمده است، بعضی مستقیماً به جنگ این پرسش‌های پیچیده رفته‌اند، و برخی به نحو غیرمستقیم از راه بحث درباره پدیده‌هایی که، به عقیده آنان، یا راه پاسخ‌گفتن به این مسائل را روشنتر می‌کنند یا بعکس، به مشکلات می‌افزایند و آدیان را در جوامع امروزی از رسیدن به هدف زندگی سعادت‌مند و بارور انسانی بازمی‌دارند. در آخرین فصل کتاب تصویری وحشتناک از وضعی ترسیم شده است که در آن، یکی از فلسفه‌های سیاسی (ناسیونال‌سوسیالیسم هیتلری) به نابودی نهادهای سیاسی و اجتماعی و فروریختن کامل جامعه متعین در یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان (آلمان) منتهی شده است. این فصل از آن رو در کتاب آمده است تا نشان دهد که هر اندیشه یا فلسفه سیاسی به صرف سخنوری‌های هیجان‌برانگیز و قبول عامه ضرورتاً نه تنها به سعادت و بهروزی بشر نمی‌انجامد، بلکه ممکن است او را به نابودی بکشاند.

امید است این کتاب خاطر دانش‌پژوهان ما را در این روزگار پرفراز و نشیب خرسند کند.

عزت‌الله فولادوند

نیرماه ۱۳۸۷